

زنجیره ارزش کشاورزی و غذایی

در آینه برنامه هفتم توسعه

(با نگاهی بر زنجیره ارزش لبنیات)



معاونت بررسی های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



تهیه شده در:

معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مهر ۱۴۰۳

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد

مربوطه منعکس نمایید:

economic_research@tccim.ir

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

خلاصه مدیریتی.....	۴
مقدمه.....	۶
۱. تبیین وضعیت موجود محصولات کشاورزی کشور.....	۷
۲. زنجیره ارزش در کشاورزی و غذا.....	۱۱
۳. توسعه زنجیره ارزش محصولات کشاورزی.....	۱۵
۴. زنجیره ارزش لبنیات و جایگاه ایران در این زنجیره.....	۱۶
۵. جایگاه زنجیره ارزش کشاورزی و غذا در برنامه هفتم توسعه.....	۲۵
۶. جمع بندی.....	۲۸
منابع.....	۲۹

خلاصه مدیریتی

صنعت غذا به دلیل تاثیری که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر سلامت افراد دارد از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. به منظور تحقق امنیت غذایی مهم‌ترین موضوع برای کشور ما توجه ویژه به شکل‌گیری و تکمیل زنجیره‌های ارزش محصولات کشاورزی است. در فرآیند زنجیره ارزش محصولات کشاورزی تمام اقدامات قابل انجام از مزرعه تا سفره مدنظر قرار می‌گیرد و در این عرصه کنشگران متعدد و متنوع بسیاری ایفای نقش می‌کنند. شاید به‌ظاهر اینگونه به‌نظر برسد که هر کدام از این کنشگران کارکردهای مختلفی دارند ولی در واقعیت اجزای اصلی و بسیار اساسی یک سیستم را تشکیل داده و بدون حضور آن‌ها ایجاد ارزش از ماده خام اولیه کشاورزی بی‌معنی است. همچنین شکل‌گیری صحیح زنجیره ارزش می‌تواند تأثیر مثبتی بر اشتغال مستقیم و غیر مستقیم کشاورزی در مناطق شهری و روستایی و تنوع درآمدی داشته باشد.

متأسفانه علی‌رغم اینکه زنجیره ارزش محصولات کشاورزی یکی از مباحث مهم در دنیا به شمار می‌آید و در حوزه امنیت غذایی نیز از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است اما تاکنون در کشور به این موضوع مهم توجه لازم نشده است. به‌عنوان نمونه می‌توان زنجیره ارزش لبنیات را مورد توجه قرار داد و در این خصوص سوالات مختلفی را پرسید؛ سوالاتی از قبیل اینکه تولید لبنیات نیازمند چه نهاده‌هایی است و این نهاده‌ها چگونه و توسط چه کسانی تامین و توزیع می‌شوند؟ برای تولید این محصول چه مقدار از نهاده‌ها از طریق منابع داخلی و چه مقدار از نهاده‌ها از خارج از کشور تامین می‌شود؟ نهاده‌ها به چه شکلی در اختیار تولید کننده قرار می‌گیرند؟ چه امکاناتی برای ذخیره سازی و نگهداری لبنیات وجود دارد؟ چه بخشی از این محصول وارد چرخه فرآوری می‌شود؟ فرآورده‌های حاصل چگونه وارد بازار می‌شوند؟ با پاسخ به این سوالات چالش‌های اصلی این صنعت نمایان خواهد شد. به‌عنوان مثال بخش مهمی از نهاده‌های اولیه این صنعت از طریق واردات تأمین می‌شود؛ یعنی در داخل کشور از پشتوانه قوی برای تولید نهاده‌های اولیه مورد نیاز برای تولید محصولات لبنی برخوردار نیستیم. در مجموع شواهد نمایانگر این است که با وجود پتانسیل‌های رشد و ارتقای تولید و رقابت‌پذیری در زنجیره ارزش کشاورزی و غذایی با توجه به شرایط اقتصاد کلان، این زنجیره در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برد و در نتیجه توسعه و رقابت‌پذیری بنگاه‌های زنجیره مزبور با موانع زیادی روبرو است. موانع شناسایی شده را در پنج دسته زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

- موانع فضای کسب‌وکار
- موانع رقابت‌پذیری

- موانع کلان و ساختاری در کشور
- عوامل و شرایط اقتصادی
- عوامل داخلی بنگاه‌های تولیدی

باید توجه داشت که حل این مسائل به صورت کوتاه مدت و دستوری امکان پذیر نیست و باید با جامع‌نگری، به رسمیت شناختن همه کنشگران زنجیره ارزش، تقویت زیرساخت‌ها و اصلاح فضای کسب‌وکار، مشکلات را مرتفع کرد. در قالب زنجیره ارزش باید تمامی کنشگران به رسمیت شناخته شوند و بستر لازم برای فعالیت آن‌ها فراهم شود. این امر نه تنها منجر به کاهش ضایعات انواع محصولات کشاورزی خواهد شد بلکه حداقل کردن هزینه‌ها و حداکثر کردن منافع را نیز برای تمامی بازیگران زنجیره ارزش محصولات کشاورزی به همراه خواهد داشت.

مقدمه

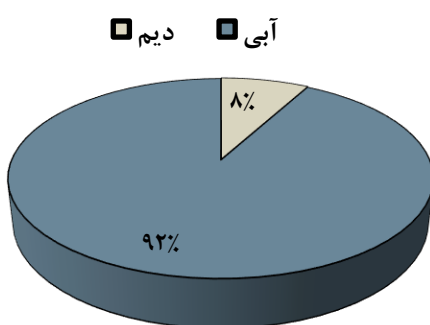
بخش کشاورزی از نظر تامین غذایی کشور و ایجاد رونق در اقتصاد، اهمیت بسیار بالایی دارد. این اهمیت لزوم شناسایی چالش‌های این زنجیره را در راستای مرتفع کردن آن‌ها نمایان می‌سازد. لازمه این امر تجزیه و تحلیل همزمان نقاط ضعف و قوت و همچنین تهدیدها و فرصت‌ها به صورت واقع‌بینانه در حوزه زنجیره ارزش محصولات کشاورزی است. در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود راهکاری است که می‌تواند در شناسایی چالش‌ها و مسائل این زنجیره در حوزه امنیت غذایی کمک نماید. لذا در این گزارش ضمن بررسی وضعیت بخش کشاورزی در کشور و ارائه ادبیات زنجیره ارزش کشاورزی و غذایی به مسائل کلیدی این حوزه پرداخته شده است. در این گزارش زنجیره لابیات به دلیل اهمیت راهبردی که در تامین امنیت غذایی و حفظ سلامت جامعه دارد به‌عنوان یک مثال مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت به جایگاه زنجیره ارزش کشاورزی و غذایی در برنامه هفتم توسعه پرداخته شده است.



۱. تبیین وضعیت موجود محصولات کشاورزی کشور

۱-۱. درصد تولید محصولات زراعی کشور به تفکیک نوع کشت

بر اساس نمودار ۱، طی دهه اخیر به طور متوسط حدود ۸ درصد محصولات زراعی کشور به صورت دیم و ۹۲ درصد آن به صورت آبی کشت شده است. در بسیاری از کشورهای جهان حدود ۷۰ درصد کشت از طریق دیم صورت می گیرد اما در ایران این نسبت بسیار پائین و حدود ۱۰ درصد است، لذا با توجه به پرهزینه بودن کشت آبی در ایران به واسطه مسائل بحران آب، این کشت با هزینه های بسیار بالا صورت گرفته و سبب افت قدرت رقابتی در بازارهای جهانی می شود.



نمودار ۱. متوسط درصد تولید محصولات زراعی کشور به تفکیک نوع کشت طی دهه اخیر

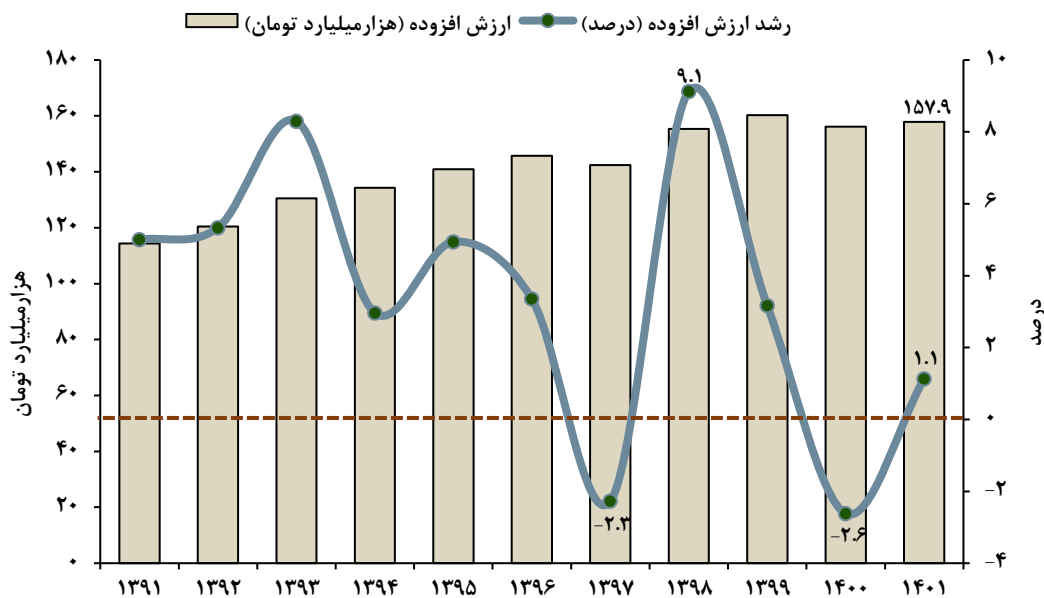
منبع: وزارت جهاد کشاورزی

۱-۲. ارزش افزوده گروه کشاورزی

روند رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی ایران به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ در نمودار ۲ ترسیم شده است. بر اساس آخرین آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی، ارزش افزوده گروه کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ به طور متوسط ۳.۳ درصد رشد داشته است. با این حال باید توجه نمود که ایران در سال های اخیر وارد دوره خشکسالی شده و میانگین بارش سالانه کشور پایین تر از سطح متوسط بلندمدت آن قرار دارد. طی سال ۱۳۹۷ ارزش افزوده بخش کشاورزی حدود ۲.۳ درصد نسبت به سال ۱۳۹۶ کاهش داشته و به ۱۴۲.۲ هزار میلیارد تومان رسیده است. در سال ۱۳۹۸ به لطف شرایط آب و هوایی مساعد و افزایش بارندگی ها در ابتدای این سال، ارزش افزوده بخش مزبور با رشد قابل ملاحظه ۹.۱ درصدی، از ۱۴۲.۴ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۷ به ۱۵۵.۴ هزار میلیارد تومان رسیده است. بر اساس آمار رسمی بانک مرکزی در سال ۱۳۹۸، کل اقتصاد در این سال کوچک شده و رشد اقتصادی کشور منفی و معادل ۱۰.۵- درصد برآورد شده است. سیر نزولی اقتصاد در این سال به دلیل رکود در بخش نفت و گاز حدود ۳۶.۲- درصد بوده و بخش های صنعت و معدن و خدمات نیز به ترتیب با رشدهای ۱ درصد و ۰.۳- درصد مواجه شده است. در نتیجه

می‌توان بیان نمود در سال ۱۳۹۸، بخش کشاورزی تا حد بسیار بالایی در بهبود وضعیت اقتصادی کشور نقش موثری داشته است. ارزش افزوده این بخش در سال ۱۳۹۹ نیز صعودی بوده و سپس با پایان خوش بارندگی‌های کشور در این سال و ادامه روند کاهشی میزان بارندگی، ارزش افزوده بخش کشاورزی روند نزولی به خود گرفته به طوری که در سال ۱۴۰۰، با کاهش ۲.۶ درصدی نسبت به سال قبل به ۱۵۶.۱ هزارمیلیارد تومان رسیده است. بر اساس آمار و اطلاعات وزارت نیرو میزان بارندگی در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ یکی از کمترین بارش‌ها طی ۲۰ سال اخیر بوده است. شایان ذکر است ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال ۱۴۰۱ با رشد ۱.۱ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰ به ۱۵۷.۹ هزارمیلیارد تومان رسیده است.

نکته مهم دیگر در ارزش افزوده بخش کشاورزی تاثیر تحریم‌های اقتصادی و خشکسالی بر این بخش است. تحریم‌های اقتصادی به روش‌های گوناگونی مانند افزایش هزینه‌های تولید، کاهش دسترسی کشور به نهاده‌های کشاورزی، افت سرمایه‌گذاری در این بخش و ... می‌تواند (با یک وقفه زمانی) بر ارزش افزوده این بخش و در نتیجه رشد اقتصادی کشاورزی اثرگذار باشد.



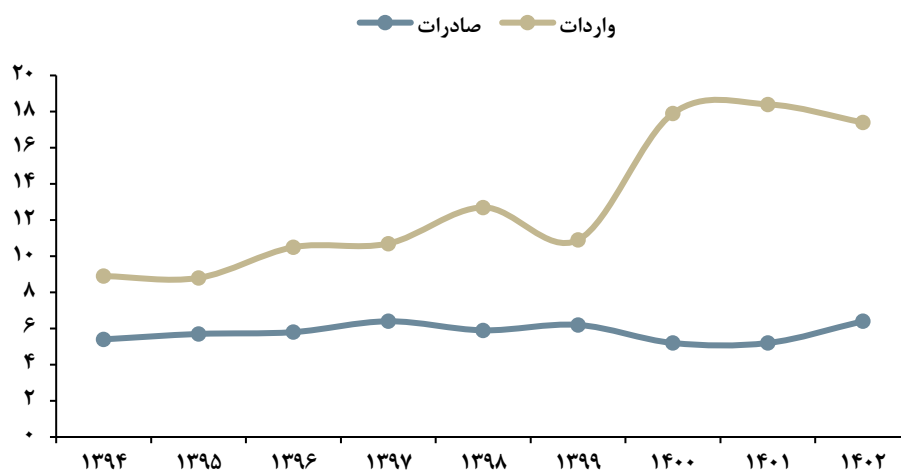
نمودار ۲. روند و رشد ارزش افزوده بخش صنعت طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱- به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵

منبع: بانک مرکزی

۱-۳. تجارت محصولات کشاورزی و غذایی

در نمودار ۳، روند ارزش صادرات و واردات محصولات کشاورزی و غذایی نشان داده شده است. آنچه از این نمودار نمایان است محدودیت‌های ایجاد شده در تجارت محصولات کشاورزی و غذایی طی سال‌های اخیر معادلات را به

سمت واردات تغییر داده است. طی بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ اگرچه صادرات محصولات مزبور افزایش یافته اما همچنان تراز تجاری این بخش منفی بوده است. بیشترین میزان صادرات مربوط به سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۳۹۷ و برابر با ۶.۴ میلیارد دلار بوده است. بیشترین میزان واردات نیز مربوط به سال ۱۴۰۰ و برابر با ۱۸.۴ میلیارد دلار بوده است.



نمودار ۳. میزان ارزش واردات و صادرات محصولات کشاورزی و غذایی طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲

منبع: وزارت جهاد کشاورزی

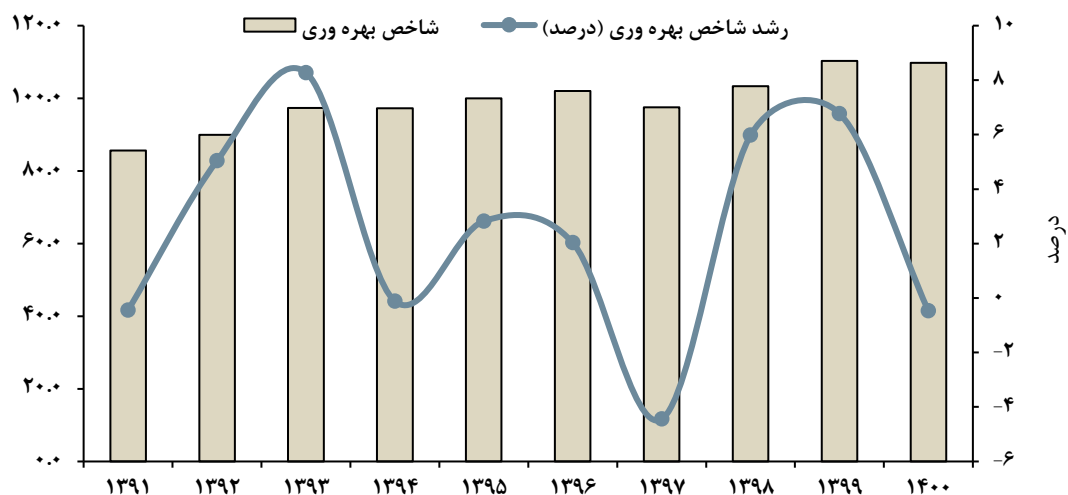
در سال ۱۴۰۲ پنج قلم صادراتی عمده به لحاظ ارزشی شامل پسته، سیب تازه، خرما، گوجه فرنگی تازه و شیرخشک بوده است، به لحاظ وزنی نیز ۵ قلم عمده صادراتی شامل هندوانه، سیب تازه، گوجه فرنگی تازه یا سرد کرده، سیب زمینی و پیاز بوده است. ذرت دامی، دانه سویا، روغن نباتی، برنج و کنجاله سویا پنج قلم عمده وارداتی در سال ۱۴۰۲ از حیث ارزشی بوده اند. همچنین پنج قلم کالای وارداتی عمده از حیث وزنی نیز شامل ذرت دامی، دانه سویا، گندم معمولی، جو، کنجاله سویا است.

با توجه به اینکه عمده واردات محصولات کشاورزی کشور کالاهای استراتژیک و اساسی است؛ مقوله کالای استراتژیک را باید با نگاه استراتژیک تحلیل کرد. درواقع در زمینه محصولاتی همچون گندم باید به دنبال این باشیم که خودکفایی در آن چقدر می‌تواند برای ما قدرت آفرین باشد و با توجه به قیمت جهانی محصولات، هزینه تولید، میزان آب مصرفی و سایر پارامترها، تولید این محصولات صرفه اقتصادی دارد یا واردات آن‌ها؟ با توجه به وضعیت تحریم کشور و چالش‌های ناشی از آن از جمله مسدود کردن محموله‌های بین‌المللی، مشکلات مربوط به بیمه حمل‌ونقل دریایی و چالش ارتباط بانک‌های کشور با بانک‌های خارجی منجر به از هم گسیختگی زنجیره‌های مالی در سطح جهانی، محدودیت‌های پرداختی و مشکلات لجستیکی شده و امنیت اقتصادی و سپس امنیت غذایی کشور را به مخاطره کشیده است که این موضوع به صورت مستقیم و غیرمستقیم تاثیر منفی معناداری بر بخش کشاورزی و فرآیند تولید کالاها به ویژه کالاهای اساسی دارد. با اتخاذ سیاست‌هایی مانند

نگرش راهبردی و توجه ویژه به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، در زمینه ارتقای زیرساخت‌های تکنولوژی و فناوری و افزایش استفاده از ماشین‌آلات پیشرفته، آموزش و افزایش مهارت نیروی انسانی، کاهش هزینه‌های تولید و ... می‌توان هدف خودکفایی و استقلال در تولید برخی از محصولات کشاورزی را محقق نمود.

۱-۴. بهره‌وری

بر اساس ادبیات اقتصادی، بهره‌وری از مولفه‌های لازم برای رشد مداوم اقتصاد هر جامعه‌ای است. به‌طور کلی بهره‌وری به‌صورت نسبت ستانده به نهاده تعریف شده و مفهوم کلی آن، استفاده کارآمد از عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه، انرژی و ...) برای تولید کالاها و خدمات می‌باشد (اتاق ایران، ۱۳۹۶). با افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ی هر واحد محصول و قیمت تمام شده‌ی آن، پتانسیل و کارایی بخش کشاورزی در رقابت با سایر بخش‌های اقتصادی و بازارهای بین‌المللی افزایش می‌یابد. در بلندمدت محدودیت سرمایه و نقدینگی واحدهای تولیدی می‌تواند سبب عقب ماندگی در دانش و فناوری روز شده و بهره‌وری عوامل تولید را کاهش دهد. بخش کشاورزی به واسطه‌ی بهره‌مندی از منابع پایه ارزان‌تر به میزان زیادی می‌تواند این محدودیت‌ها را جبران و توانایی خود را در به‌کارگیری کارآمد عوامل تولید ارائه دهد. بر اساس آمار ارائه شده از سوی سازمان بهره‌وری ایران (نمودار ۴)، روند کلی شاخص بهره‌وری عوامل تولید بر حسب تعداد شاغلان و ارزش موجودی سرمایه بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ با نوسانات اندکی، صعودی بوده و از ۸۵.۶ در سال ۱۳۹۱ با متوسط رشد سالانه ۲.۸ درصد به ۱۰۹.۸ در سال ۱۴۰۰ رسیده است. علل مختلفی از جمله افزایش سطح مکانیزاسیون، دانش و فناوری را می‌توان به این روند صعودی طی سال‌های مورد بررسی نسبت داد.



نمودار ۴. شاخص و رشد بهره‌وری عوامل تولید بر حسب تعداد شاغلان و ارزش موجودی سرمایه بخش کشاورزی طی سال‌های

۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰

منبع: سازمان بهره‌وری ایران

۲. زنجیره ارزش در کشاورزی و غذا

در زنجیره ارزش نگاه سیستمی وجود دارد، به این معنی که کل فرآیند به صورت سیستمی در نظر گرفته شده و تمام حلقه‌ها باهم در تعامل بوده و یک هدف مشخص دارند و آن ایجاد ارزش برای مشتری است. به دلیل وابستگی اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه به کشاورزی، این بخش از جمله بخش‌هایی است که بررسی زنجیره ارزش در آن مهم ارزیابی شده است. از این رو مفاهیم زنجیره ارزش در کشاورزی و غذا در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۱. زنجیره ارزش کشاورزی^۲

فائو (۲۰۱۰) زنجیره ارزش کشاورزی را مجموعه‌ای از بازیگران و فعالیت‌ها تعریف می‌کند که یک محصول را از زمین کشاورزی تا مصرف‌کننده نهایی منتقل کرده و در هر مرحله از انتقال، به ارزش محصول می‌افزاید. مدل زنجیره ارزش محصولات کشاورزی را می‌توان مطابق با الگو یا مدل زنجیره ارزش پورتر^۳ در ۵ حلقه اصلی و یک حلقه پشتیبان به شرح ذیل ارائه نمود.

حلقه اول: این حلقه در تامین نهاده‌های کشاورزی شامل بذر، نشاء، سم، کود، خوراک دام و سایر نهاده‌های فعال می‌باشد.

حلقه دوم: این حلقه به عملیات تولید اختصاص می‌یابد که توسط مزرعه‌داران، باغداران و دامداران، پرورش‌دهندگان ماهی، پرورش‌دهندگان انواع ماکیان و سایر تولیدکنندگان صورت می‌پذیرد.

حلقه سوم: این حلقه به عملیاتی نظیر برداشت محصول، سورتینگ، بسته‌بندی، فرآوری و تبدیل محصول به محصول دیگر گفته می‌شود. کارخانجات صنایع فرآوری و تبدیلی محصولات کشاورزی از کنشگران مهم این حلقه به‌شمار می‌روند.

حلقه چهارم: این حلقه به بازیگرانی اطلاق می‌شود که عملیاتی نظیر انبارداری، سردخانه، بازاریابی و توزیع محصول تا مراکز فروش را انجام می‌دهد.

حلقه پنجم: این حلقه مربوط به مراکز فروش محصولات کشاورزی می‌باشند. فعالان این حلقه شامل مغازه‌داران، مرغ‌فروشان، ماهی‌فروشان، غرفه‌های فروش میوه و سبزی و... می‌باشد که می‌بایست در حین فروش محصولات

^۲ Agriculture Value Chain

^۳ ایده زنجیره ارزش مبتنی بر دیدگاه پورتر فرآیندی است که زیرسیستم‌ها تشکیل شده و هرکدام دارای ورودی‌ها، فرآیندهای تحول و خروجی‌ها است. درآمد‌ها، فرآیندهای تبدیل و خروجی‌ها شامل کسب و مصرف منابع- پول، نیروی کار، مواد، تجهیزات، ساختمان‌ها، زمین، اداره و مدیریت است. نحوه انجام فعالیت‌های زنجیره ارزش، هزینه‌ها را تعیین کرده و سود را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

خود، به سلايق مشتری توجه نموده و با ايجاد خدمات پس از فروش به‌طور مستمر ارتباط با مشتری را مدیریت نمایند (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۹).



شکل ۱. نمایی بسیار ساده از یک زنجیره ارزش کشاورزی در قالب حلقه‌های پنج‌گانه با استناد به نتایج الگوی پورتر
منبع: وزارت جهاد کشاورزی

حلقه پشتیبان: فعالیت یا حلقه پشتیبان در مدل زنجیره ارزش کشاورزی تمام نهادهای دولتی و خصوصی را شامل می‌شود که نقش حمایت، نظارت، هدایت و پشتیبانی از توسعه، تکمیل و بهبود کمی و کیفی فعالیت‌های اصلی را ایفا می‌کنند.

در یک بیان کلی می‌توان گفت زنجیره ارزش در کشاورزی شامل دو لایه است. اولین لایه شامل ذخیره منابع است که مزارع و شرکت‌های صنایع کشاورزی مثل فرآوری کنندگان، صادرکنندگان و خرده‌فروشان برای تولید و تجارت استفاده می‌کنند. لایه دوم شرکت‌ها و موسساتی هستند که استفاده و جریان منابع را مدیریت کرده و مسئول هماهنگی فعالیت‌های مزبور در زنجیره ارزش هستند.

۲-۲. زنجیره ارزش غذا

بر اساس مطالعات صورت گرفته زنجیره ارزش غذا، دربرگیرنده طیف وسیعی از مزارع، شرکت‌ها و فعالیت‌های هماهنگ ارزش‌افزا است که محصولات خام کشاورزی را به محصولات غذایی خاصی تبدیل می‌کند و در نهایت به دست مصرف‌کننده نهایی رسانده و به نفع جامعه و طبیعت بازیافت می‌شود. بر این اساس مشابهت‌های زیادی با تعریف زنجیره ارزش کشاورزی دارد. اما یک تفاوت اساسی بین این دو زنجیره دیده می‌شود. به این صورت که در زنجیره ارزش کشاورزی الزامی به فرآوری وجود ندارد اما در زنجیره ارزش غذا، فرآوری و تبدیل محصولات خام کشاورزی رکن اساسی و اصلی را تشکیل می‌دهد. زنجیره ارزش غذا اهمیت سه محور را برجسته می‌کند. نخست پویایی؛ به این معنی که بازارمحور بودن زنجیره ارزش را به رسمیت می‌شناسد. دوم آنکه این مفهوم

به‌طور گسترده کاربرد داشته و تمام محصولات کشورها را پوشش می‌دهد و در نهایت سومین رکن مهم آن اینست که ارزش افزوده و پایداری، مولفه‌های عملکردی صریح و چندبعدی زنجیره هستند.

رشد اجتناب‌ناپذیر نظام‌های کشاورزی بایستی با در نظر گرفتن اهدافی ماورای تولید، مانند کارایی زنجیره‌های غذا و پایداری آن همراه باشد. برنامه‌ها و سیاست‌های ارائه شده توسط سیاست‌گذاران می‌بایست با چشم‌انداز نوع غذایی که می‌بایست تولید و مصرف شود، ارزش تغذیه‌ای آن، دسترسی اقتصادی مصرف‌کنندگان و پایداری محیطی و اجتماعی طراحی شود.

۳. توسعه زنجیره ارزش محصولات کشاورزی

یک ابزار مهم و قدرتمند برای کاهش فقر و مبارزه با چالش امنیت غذایی و تاب‌آوری در مواقع بحرانی، توسعه و مقاوم‌سازی زنجیره‌های ارزش محصولات کشاورزی است. با توجه به رشد جمعیت جهانی و به تبع آن افزایش تقاضا برای غذا جهت مواجهه با این چالش و حصول توسعه پایدار و امنیت غذایی، سرمایه‌گذاری زیادی در بخش کشاورزی مورد نیاز است. با این حال بازارهای محصولات کشاورزی در سطح جهانی به دلیل تغییر و تحولات فزاینده در سلیقه و تقاضای مشتریان، توسعه استانداردهای مربوط به امنیت و کیفیت غذایی، پیشرفت فناوری و تغییرات در ساختار صنعت، دچار پیچیدگی شده است. صنعت غذا مسئول بخش عمده‌ای از تولید و مصرف مدرن است. پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۲۰۲۴، ارزش بازار جهانی مواد غذایی به ۹.۱۲ تریلیون دلار برسد که با نرخ سالانه ۶.۷ درصد رشد می‌کند. در این راستا زنجیره‌های ارزش به‌ویژه در بخش کشاورزی مهم است؛ زیرا منجر به کمک و پشتیبانی سایر صنایع شده و افزایش اشتغال و درآمد را در پی خواهد داشت و ضمن تامین مصارف داخلی، ظرفیت صادرات به سایر کشورها را فراهم نموده و می‌تواند ضمن بهبود بهره‌وری، بر رقابت‌پذیری تاثیر بگذارد. از طرفی در کشوری مانند ایران که با دوره تاریخی آن‌تروپوسن (تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت‌های انسانی)، تخریب منابع طبیعی، رشد شهرنشینی و انواع شوک‌ها و نوسانات قیمت مواجه است، توسعه زنجیره‌های پایدار و مقاوم برای رویارویی با این چالش‌ها ضرورت دارد؛ زیرا ماهیت شوک‌ها غالباً غیرقابل پیش‌بینی بوده و مدیریت ریسک را که هدف آن تعیین احتمال و نتایج اختلالات است، با محدودیت مواجه می‌کند. در نتیجه نظام بازار و توزیع محصولات کشاورزی در ایران بسیار بغرنج و ناکارآمد است و نارضایتی هر دوسوی بازار یعنی مصرف‌کننده و تولیدکننده را به همراه دارد. زنجیره ارزش محصولات کشاورزی در کشور به‌گونه‌ای است که کشاورز فقط در حلقه تولید اولیه نقش دارد و از هرگونه ارزش افزوده که در سایر حلقه‌های زنجیره ارزش حاصل می‌شود بی‌بهره است. در

نتیجه می‌توان گفت زنجیره ارزش در محصولات کشاورزی کشور، ماهیت فقرزدا و عادلانه ندارد و برآورده کننده انتفاع واقعی کشاورز نیست. تداوم این روند در بلندمدت موجب ازهم پاشیدگی کسب‌وکارهای سایر حلقه‌های زنجیره ارزش نیز خواهد شد. باید یادآور بود ارتقا و توسعه زنجیره ارزش فرآیندی است که از تغییرات در قوانین، استراتژی‌ها، سازمان‌ها و هنجارهای غیر رسمی آغاز می‌شود (موهان^۴، ۲۰۱۶). انتخاب زنجیره ارزش یک گام اولیه مهم در توسعه زنجیره ارزش است. به عبارتی شناسایی زنجیره ارزش (های) مناسب برای ارتقا، بر اساس پتانسیل آن‌ها برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار است (فائو، ۲۰۲۱).

برخی از تنگناهای موجود در بازار داخلی و خارجی محصولات کشاورزی در راستای توسعه زنجیره ارزش محصولات کشاورزی و غذایی در سطح سیاست گذاری می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

- ضعف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی یکپارچه و متمرکز برای ردیابی مواد غذایی در طول زنجیره ارزش
- بالا بودن سهم مداخله و تصدی‌گری دولت در بخش کشاورزی و پایین بودن مشارکت بخش‌های غیردولتی در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حوزه تدارک، تامین، توزیع نهاده و محصول
- ناپایداری در خودکفایی محصولات مهمی مانند گندم و وابستگی به واردات در برخی از اقلام محصولات اساسی شامل جو و کنجاله
- شکل نگرتن و یا ناقص بودن زنجیره‌های ارزش در حوزه‌های مختلف بخش کشاورزی، مشخص نبودن و یا نبود متولی مدیریت اجزای زنجیره ارزش
- وجود قوانین و مقررات زائد، دست‌وپاگیر برای تولید و نبود حمایت‌های لازم
- عدم یکپارچگی و هماهنگی بین عناصر و سازمان‌های درگیر در بازرگانی محصولات کشاورزی

برخی مسائل نیز به حوزه کمبود اعتبار و سرمایه و پایین بودن ضریب نفوذ سرمایه به تولیدکنندگان و سایر مشارکت‌کنندگان در زنجیره مربوط می‌شود که شامل کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش واحدهای تولیدی به دلیل مشکلات سیستم بانکی کشور و محدودیت تسهیلات اعطایی بانک‌ها در بخش کشاورزی و عدم توسعه روش‌های نوین تامین مالی می‌باشد. در ادامه به برخی دیگر از مسائل بخش کشاورزی اشاره شده است:

- عدم تعادل در بازار و اختلاف قیمت بسیار زیاد در سطح مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان
- بالا بودن بهای برخی نهاده‌ها مانند بذر و کود، وابستگی بالا در کودهای فسفره و پتاسه، پایین بودن فناوری فرمولاسیون برخی از کودها و نارسایی در زنجیره تامین کود

⁴ Mohan

- پایین بودن ضریب نفوذ دانش، فناوری و ضعف نظام نوآوری در به‌کارگیری فناوری‌های نوین
- عدم شفافیت اطلاعات مربوط به قیمت‌گذاری محصولات، جریان محصولات، بازار و تکنولوژی‌های روز
- کم‌آبی و بروز خشکسالی‌های اخیر در استان‌های قطب کشاورزی و همچنین پایین بودن راندمان آبیاری به دلیل استفاده از روش‌های سنتی آبیاری
- مناسب نبودن شرایط و زیرساخت‌های حمل‌ونقل، نگهداری و انبار محصولات
- نبود امکانات زیرساختی لازم و به‌روز شامل سردخانه‌ها، انبار و واحدهای بسته‌بندی
- حجم بالای ضایعات محصولات کشاورزی در مراحل مختلف زنجیره اعم از تولید، حمل‌ونقل، انبارداری و ذخیره‌سازی و استفاده ناکارآمد از بقایای محصولات کشاورزی
- چالش‌های مرتبط با آفات و بیماری‌ها
- عدم توجه به استفاده از استانداردهای ایمنی و بهداشت مواد غذایی در بسته‌بندی‌ها
- عدم توجه شرکت‌های صادرکننده به الزامات، ویژگی‌ها و تمایلات بازارهای هدف به‌ویژه از حیث بسته‌بندی محصول
- ضعف صنعت حمل‌ونقل محصولات کشاورزی و مشکلات عبور و مرور کامیون‌های ایرانی از کشورهای همسایه به دلیل نبود روابط دیپلماتیک مناسب و عدم ارسال مستقیم بار به بازار برخی کشورها به دلیل تحریم
- عدم ارتباط مناسب با مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و عدم بهره‌مندی از پتانسیل آن‌ها

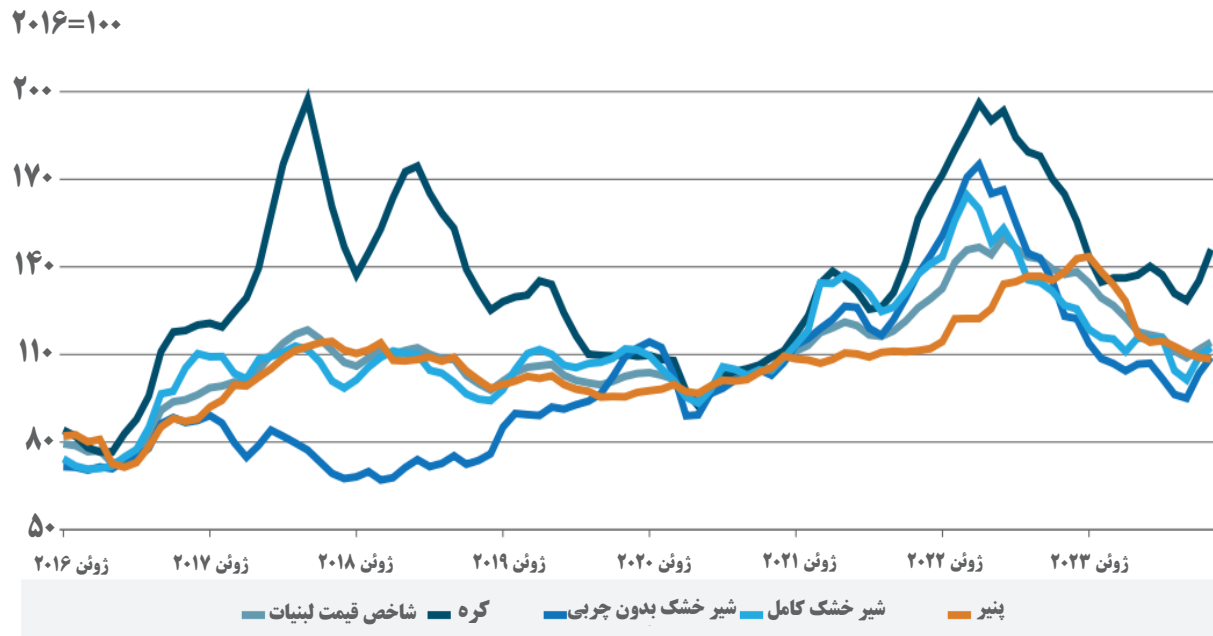
در مجموع این موانع از بین حجم بالای چالش‌ها و مشکلات مربوط به زنجیره کشاورزی و غذایی کشور انتخاب شده‌اند، اما پرواضح است چالش‌ها به این موارد محدود نشده و عوامل بسیاری مانند تغییرات محیط بین‌المللی مانند روابط سیاسی، تحریم‌ها، تغییرات در قیمت جهانی مواد غذایی و... نیز موثرند. به‌طور کلی در طول زنجیره ارزش کشاورزی ریسک‌ها و چالش‌هایی وجود دارد که می‌توان با مدیریت صحیح و به موقع از وقوع پیامدهای جبران‌ناپذیر جلوگیری کرده و یا حداقل آثار سوء این چالش‌ها را کاهش داد. زنجیره ارزش کشاورزی ظرفیتی را برای افزایش کارایی، یکپارچه‌سازی کسب‌وکار و در نهایت رقابت‌پذیری در بازار فراهم می‌کند. افزایش ظرفیت در کشاورزی و صنایع وابسته به آن اثرگذارترین راه برای افزایش امنیت غذایی و کاهش فقر است. این در حالی است که نظام‌های پیچیده زنجیره ارزش، در معرض محدودیت انسانی قرار گرفته و منجر به چالش‌های مدیریتی بین حلقه‌های مختلف زنجیره می‌شود. از طرفی تولید و توزیع غذا از جمله فعالیت‌های پرریسک است اما با شناسایی چالش‌های موجود در زنجیره می‌توان با ارائه راهکار مناسب به تکامل و توسعه خود ادامه داد. به همین

منظور در ادامه ۶ زنجیره ارزش مهم در ساختار کشاورزی جهان و وضعیت ایران در این زنجیره‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. زنجیره ارزش لبنیات و جایگاه ایران در این زنجیره

۴-۱. قیمت بین‌المللی لبنیات

در نمودار ۵، شاخص قیمت لبنیات در سطح جهانی ارائه شده است.



نمودار ۵. شاخص قیمت بین‌المللی لبنیات

منبع: FAO

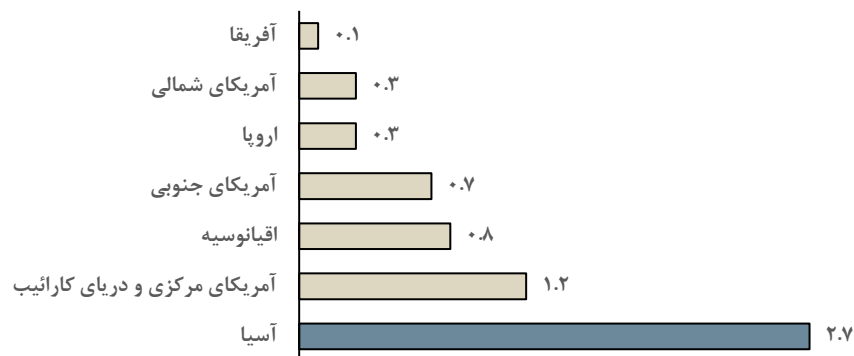
قیمت بین‌المللی محصولات لبنی که با شاخص قیمت لبنیات فائو اندازه‌گیری می‌شود، در سال ۲۰۲۳ به طور متوسط ۱۲۳.۷ بوده است که ۲۵.۸ واحد (۱۷.۳ درصد) نسبت به میانگین سالانه سال ۲۰۲۲ کاهش داشته است. این شاخص از ژانویه تا سپتامبر به تضعیف خود ادامه داد و پس از آن دوره‌ای تقویت شده است. براساس گزارش فائو، شاخص قیمت لبنیات در ژوئن ۲۰۲۲ به بالاترین سطح خود رسیده و تا سپتامبر ۲۰۲۳ روند نزولی داشته است که عمدتاً ناشی از کاهش تقاضا برای محصولات لبنی به‌ویژه پودر شیر خشک کامل^۵، از سوی واردکنندگان پیشرو از جمله چین بوده است. واردات کم چین به دلیل رشد کمتر از پیش‌بینی شده فروش محصولات غذایی است. به گزارش فائو، در سایر نقاط آسیایی نیز رکود اقتصادی، افزایش تورم و کاهش ارزش پول، قدرت خرید مصرف‌کننده را کاهش داده و تقاضا برای واردات لبنیات را کاهش داده است. با این حال،

⁵ Whole milk powder

قیمت بین‌المللی لبنیات به‌جز پنیر از اکتبر سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است که نشان‌دهنده افزایش تقاضا از سوی خریداران شمال شرق آسیا، محدود بودن موجودی در کشورهای صادرکننده و افزایش تقاضای داخلی است. محدودیت عرضه شیر در اروپای غربی و نگرانی در مورد تأثیر احتمالی پدیده آب و هوای ال نینو بر تولید شیر در اقیانوسیه نیز افزایش شاخص قیمت‌های لبنیات را در پی داشته است. همچنین در ماه نوامبر، کاهش ارزش دلار آمریکا در برابر یورو نیز از تقویت قیمت لبنیات حمایت کرد. در مورد پنیر، قیمت‌ها به دلیل قابلیت صادرات بالا، به‌ویژه پنیر چدار، به روند نزولی خود ادامه دادند.

۴-۲. تولید جهانی شیر

تولید جهانی شیر در سال ۲۰۲۳ با سرعت کمی افزایش یافته و به ۹۶۵.۷ میلیون تن رسیده است که ۱.۵ درصد نسبت به سال ۲۰۲۲ افزایش داشته است. این رشد عمدتاً ناشی از رشد حجم تولید در آسیا و افزایش حجم قابل توجه در برخی مناطق بوده است. در آسیا، تولید شیر به ۴۴۶.۹ میلیون تن رسیده است که نسبت به سال ۲۰۲۲ حدود ۲.۷ درصد، معادل ۱۱.۸ میلیون تن افزایش را نشان می‌دهد. با این تغییر، آسیا ۴۶ درصد از تولید جهانی شیر را به خود اختصاص داده و هند و چین پیش‌تاز این توسعه بودند. پاکستان، ترکیه، ازبکستان و قزاقستان نیز افزایش قابل توجهی در تولید شیر داشتند، در حالی که ژاپن و کره کاهش قابل توجهی را گزارش کردند. در نمودار ۶، درصد تغییر تولید شیر در مناطق مختلف نشان داده شده است:



نمودار ۶. درصد تغییر تولید شیر در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال ۲۰۲۲ در مناطق مختلف جهان

منبع: FAO

در دهه‌های اخیر، کشورهای در حال توسعه سهم خود را در تولید جهانی لبنیات افزایش داده‌اند که این رشد تا حد زیادی نتیجه افزایش تعداد حیوانات مولد بوده است تا افزایش بهره‌وری سرانه. در

جدول ۱، آمار میزان تولید شیر در مناطق مختلف جهانی به ویژه ایران طی سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ ارائه شده است. بر اساس این آمار تولید ایران کمتر از کشورهایمانند پاکستان و ترکیه و بیشتر از عربستان است.

جدول ۱. میزان تولید شیر در برخی مناطق جهان - میلیون تن

منطقه / کشور	۲۰۲۱-۲۰۲۰	۲۰۲۲	۲۰۲۳
آسیا	۴۱۲.۹	۴۳۵.۱	۴۱۲.۹
هند	۲۱۶.۰	۲۳۰.۶	۲۳۶.۳
پاکستان	۵۹.۶	۶۲.۶	۶۴.۳
چین	۳۶.۹	۴۰.۷	۴۳.۴
ترکیه	۲۳.۳	۲۱.۳	۲۱.۹
ایران	۸.۶	۸.۳	۸.۸
ژاپن	۷.۵	۷.۶	۷.۳
عربستان سعودی	۲.۹	۲.۸	۲.۹
اروپا	۲۳۴.۵	۲۳۲.۹	۲۳۳.۶
اتحادیه اروپا	۱۶۰.۰	۱۵۹.۳	۱۵۹.۸
روسیه	۳۲.۳	۳۲.۹	۳۳.۵
آمریکای شمالی	۱۱۱.۷	۱۱۲.۴	۱۱۲.۸
آمریکای جنوبی	۶۷.۹	۶۷.۸	۶۸.۳
آفریقا	۵۴.۶	۵۳.۷	۵۳.۸
اقیانوسیه	۳۰.۹	۲۹.۵	۲۹.۷
آمریکای مرکزی و کارائیب	۱۹.۷	۲۰.۱	۲۰.۳
جهان	۹۳۲.۳	۹۵۱.۶	۹۶۵.۷

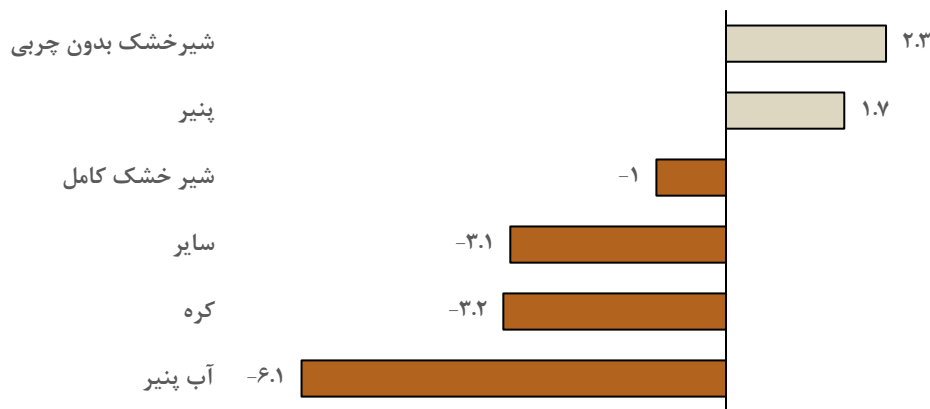
منبع: FAO

۴-۳. تجارت جهانی محصولات لبنی

صادرات بین‌المللی محصولات لبنی در سال ۲۰۲۳ به ۸۴.۷ میلیون تن (براساس میزان مصرف شیر معادل رسیده که برای دومین سال متوالی کاهش یافته است. با این حال، کاهش سالانه در سال ۲۰۲۳ کمتر (۱.۰ درصد) از سال قبل (۴.۳ درصد) بود. این امر نشان‌دهنده کاهش شدید حجم واردات لبنیات آسیایی (۱.۷ میلیون تن یا ۳.۴ درصد) همراه با کاهش در آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی است. در رابطه با صادرات نیز در سال ۲۰۲۳، بخش عمده‌ای از کاهش تجارت بین‌المللی لبنیات منعکس‌کننده افت شدید صادرات از آمریکای شمالی (۱.۷ میلیون تن یا ۱۱.۳ درصد) و به دنبال آن آسیا، آمریکای جنوبی و آمریکای مرکزی و کارائیب و آفریقا بوده است.

با این حال، اروپا و اقیانوسیه توسعه صادرات خود را حفظ نموده‌اند. بر اساس کشورها، واردات لبنیات چین بیشترین کاهش را داشته است (۱.۶ میلیون تن معادل ۹.۱ درصد) و پس از آن اندونزی، فیلیپین، اتحادیه اروپا و ژاپن کاهش قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. از نظر صادرات، کاهش جهانی صادرات به رهبری ایالات متحده آمریکا بوده است. چندین تولیدکننده بزرگ دیگر، مانند استرالیا، ترکیه و آرژانتین نیز کاهش قابل توجهی در صادرات را گزارش کرده‌اند.

در میان تجارت محصولات لبنی پیشرو در سال ۲۰۲۳، تجارت جهانی شیر خشک بدون چربی و پنیر افزایش و تجارت آب پنیر، کره و شیرخشک کامل کاهش داشته است. در نمودار ۷، درصد تغییر ترکیب صادرات جهانی لبنیات ارائه شده است.



نمودار ۷. درصد تغییر ترکیب صادرات جهانی لبنیات در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال ۲۰۲۲

منبع: FAO

در جدول ۲ میزان واردات محصولات لبنی در مناطق مختلف نشان داده شده است. بر اساس این جدول عمده واردکنندگان محصولات لبنی در سال ۲۰۲۳ کشورهای آسیایی و متعلق به کشورهای چین (۱۵.۹ میلیون تن)، اندونزی (۳.۲ میلیون تن) و عربستان سعودی (۳ میلیون تن) بوده است. بعد از آسیا طی همین سال کشورهای اروپایی و سپس آفریقا بیشترین واردات محصولات لبنی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲. میزان واردات محصولات لبنی مناطق مختلف جهان - میلیون تن (براساس میزان مصرف شیر معادل)

منطقه / کشور	۲۰۲۰-۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳
آسیا	۵۰.۴	۴۹.۶	۴۷.۹
اروپا	۱۲.۵	۱۱.۹	۱۱.۷
آمریکای شمالی	۲.۹	۳.۳	۳.۲
آمریکای جنوبی	۳.۲	۳.۲	۴.۰
آفریقا	۱۰.۶	۱۰.۲	۹.۷
اقیانوسیه	۱.۷	۱.۷	۱.۸
آمریکای مرکزی و کارائیب	۵.۹	۶.۱	۶.۳
جهان	۸۷.۳	۸۶.۰	۸۴.۶

منبع: FAO

در جدول ۳، میزان صادرات محصولات لبنی در مناطق مختلف جهان ارائه شده است. بر اساس آمار و اطلاعات این جدول در سال ۲۰۲۳ بیشترین میزان صادرات محصولات لبنی (براساس میزان مصرف شیر معادل) مربوط به اروپا (۳۵.۴ میلیون تن) و سپس اقیانوسیه (۲۳.۵ میلیون تن) اختصاص دارد. شایان ذکر است در میان کشورهای آسیایی صادرکننده محصولات لبنی ایران با ۲.۱ میلیون تن صادرات، در رتبه نخست قرار دارد. عربستان هم با ۱.۳ میلیون صادرات این محصولات در جایگاه بعدی قرار می‌گیرد.

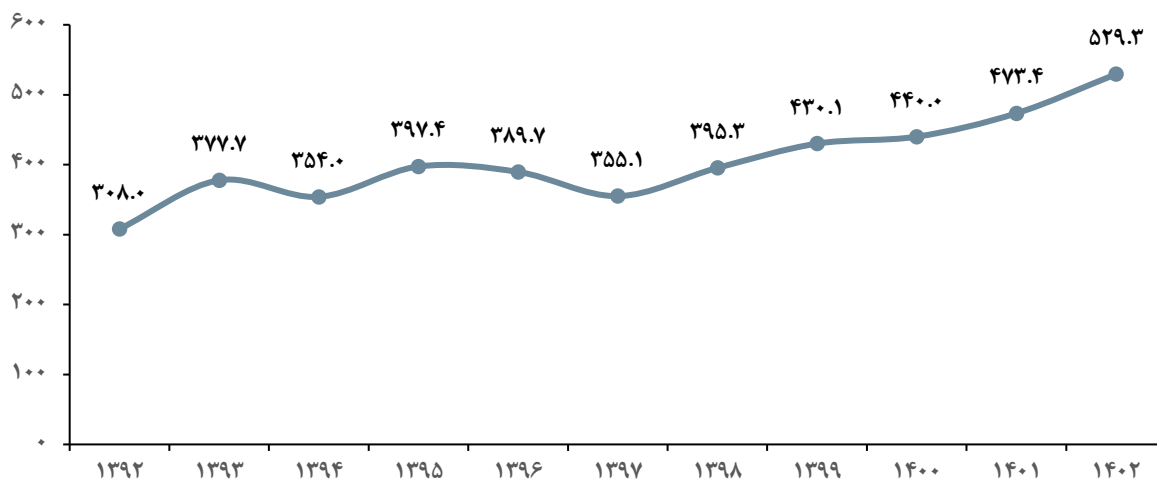
جدول ۳. میزان صادرات محصولات لبنی مناطق مختلف جهان - میلیون تن (براساس میزان مصرف شیر معادل)

منطقه / کشور	۲۰۲۰-۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳
آسیا	۹.۳	۹.۵	۸.۶
اروپا	۳۵.۴	۳۲.۵	۳۳.۸
آمریکای شمالی	۱۳.۸	۱۴.۹	۱۳.۳
آمریکای جنوبی	۴.۴	۴.۶	۴.۲
آفریقا	۱.۳	۱.۰	۰.۹
اقیانوسیه	۲۳.۵	۲۲.۳	۲۳.۱
آمریکای مرکزی و کارائیب	۰.۸	۰.۶	۰.۶
جهان	۸۸.۵	۸۵.۶	۸۴.۷

منبع: FAO

۴-۴. صادرات محصولات لبنی ایران بر اساس آمار گمرک

محصولات لبنی ذیل کد تعرفه ۰۴۰ در کتاب مقررات صادرات و واردات طبقه‌بندی می‌شوند. بر اساس نمودار ۸، صادرات محصولات لبنی ایران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ با متوسط رشد سالانه ۵.۶ درصد، روند صعودی داشته و از ۳۰۸ هزارتن به ۵۲۹.۳ هزارتن رسیده است.



نمودار ۸. صادرات محصولات لبنی ایران به‌لحاظ وزنی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲- هزارتن

منبع: گمرک

۴-۴-۱. عمده مقاصد صادراتی

براساس آمار گمرک طی ۱۴۰۲ عمده مقاصد صادراتی ایران برای محصولات لبنی در جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۴. مقاصد صادراتی محصولات لبنی ایران در سال ۱۴۰۲

مقاصد صادراتی	حجم صادرات (هزارتن)	سهم مقصد از کل صادرات لبنیات (درصد)
عراق	۳۱۷.۲	۵۹.۹
پاکستان	۸۹.۰	۱۶.۸
افغانستان	۵۱.۳	۹.۷
امارات متحده عربی	۲۴.۵	۴.۶
جمهوری آذربایجان	۱۲.۱	۲.۳
ترکمنستان	۶	۱.۱

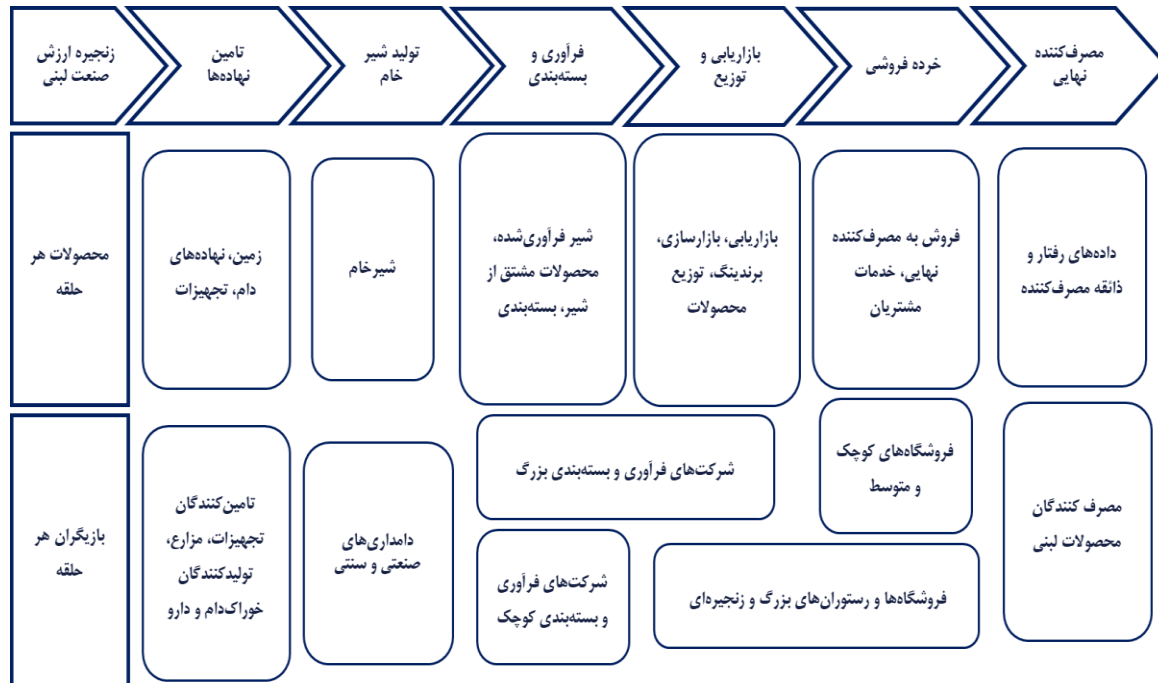
منبع: گمرک

۴-۵. نظام نرخ گذاری شیر خام و محصولات لبنی در ایران

از آذرماه سال ۱۳۸۹ به بعد قطع یارانه شیر موجب افزایش هزینه‌های تولید و هزینه‌های تمام‌شده فرآورده‌های لبنی شد. از سال ۹۰ تا ۹۳ قیمت شیر پاستوریزه ۲.۵ برابر شد و در سال ۹۷ قیمت شیر پاستوریزه طی ۸ ماه با رشد ۶۶ درصدی مواجه شد. در کشور ما تغییرات قیمت یا درآمد منجر به اثرات شدیدی در کاهش مصرف مواد لبنی می‌شود. سرانه پایین مصرف شیر می‌تواند مشکلات زیادی را برای سلامت مردم از جمله پوکی استخوان، کوتاهی قد، پوسیدگی دندان‌ها و... ایجاد کرده و در سال‌های آینده هزینه‌ای بیشتر را برای درمان به جامعه تحمیل کند. شیر و محصولات لبنی در سه دوره هشت ساله (۷۶-۹۹) زیر ضرب قیمت گذاری دستوری و سرکوب قیمت قرار داشته است. هرچند این سرکوب قیمت و اعمال قیمت گذاری دستوری از سوی دولتمردان دلایل به ظاهر موجهی چون استراتژیک بودن این محصولات در سبد غذایی خانوار، لحاظ کردن قدرت خرید مردم برای تامین امنیت غذایی و پرداخت یارانه به نهاده‌های دامی داشته است اما تبعات این تصمیم برای تولیدکنندگان محصولات لبنی بسیار زیانبار بوده است. ساختار ضعیف اقتصاد داخلی در کنار وجود تورم دو رقمی باعث شده است که طی ۲۰ سال اخیر قیمت شیر بسیار افزایش یافته و با توجه به ضریب تاثیر بالای قیمت شیر خام بر قیمت تمام شده محصولات لبنی، منجر به افزایش قیمت این محصولات نیز گردد (انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی ایران). نرخ فروش داخلی ده محصول لبنی تا قبل از اردیبهشت ۱۴۰۱، مشمول قیمت گذاری دستوری بوده و از سوی سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تعیین می‌شد. از اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ فقط ۴ قلم شامل شیر کیسه‌ای، شیر بطری کم چرب، پنیر یوفا نسبتا چرب و ماست دبه‌ای ساده است که نرخ آن‌ها دستوری تعیین می‌شود. از آنجا که افزایش قیمت با کاهش مصرف ارتباط مستقیم دارد، امروز بیش از گذشته با کاهش سرانه مصرف محصولات لبنی مواجه هستیم و این بدان معنی است که همه دلایلی که دولتمردان در توجیه اعمال قیمت گذاری دستوری بکار برده و می‌برند، منتج به نتیجه نشده است. با توجه به اینکه کشورهای مختلف دنیا از سیاست‌های متنوع حمایتی در بخش تولید و مصرف محصولات لبنی استفاده می‌کنند در کشور ما نیز حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شیر و محصولات لبنی باید مورد توجه دولت باشد. باید یادآور بود که امروزه افزایش قیمت محصولات لبنی و کاهش سرانه مصرف این محصولات علی‌رغم وجود نظارت‌ها و اعمال کنترل‌ها، تهدید بزرگی برای سلامت و امنیت غذایی مردم ایران است. لازم است کنترل‌ها و نظارت‌های بی‌نتیجه جای خود را به اصول بازار و منطق عرضه و تقاضا دهد. منطقی که حمایت برای افزایش مصرف و تضمین سلامت جامعه را بهانه‌ای برای سرکوب منطق بازار و جلوگیری از توسعه آن نکرده و با حمایت واقعی از مصرف‌کننده تحقق سرانه مصرف استاندارد و سلامت نسلی جامعه را رقم بزند.

۴-۶. زنجیره ارزش لبنیات

در صنایع غذایی صنعت لبنیات و زنجیره ارزش آن به دلیل مصرف بالای محصولات آن توسط افراد جامعه و ماندگاری پایین جهت مصرف، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران این حوزه و صاحبان صنایع بوده است. در شکل ۲، زنجیره ارزش صنعت لبنیات در ایران همراه با بازیگران اصلی هر یک از مراحل نمایش داده شده است.



شکل ۲. زنجیره ارزش لبنیات در ایران

۴-۷. مسائل کلیدی و برخی تنگناها در زنجیره ارزش لبنیات

برخی از مشکلات صنعت لبنیات به دلیل وجود نواقص و تنگناهای زنجیره ارزش این صنعت و مشکلات ساختاری درون صنعت است. در ادامه و در جدول ۵ برخی از موانع و چالش‌های پیش‌روی این زنجیره بیان شده است. لازم به توضیح است همراستا با چالش‌ها و نواقص موجود در این زنجیره سایر مشکلات ناشی از سیاست‌گذاری‌های سطح بخشی و کلان در حوزه مالیاتی، نوسانات نرخ ارز، نحوه اعمال تعرفه‌های ترجیحی، تحریم‌های بین‌المللی و اثرات آن در تامین مواد و تجهیزات خارجی، تغییرات دیپلماسی تجاری در روابط با کشورهای همسایه، نرخ سود پایین و کاهش سرمایه‌گذاری، تشدید رقابت ناسالم درون صنعت به دلیل کوچک شدن کیک اقتصادی، نیز به کاهش توان رقابتی این صنعت و افزایش چالش‌های صنعت می‌انجامد.

جدول ۵. برخی از مهم‌ترین نواقص و تنگناهای زنجیره ارزش لبنیات

زنجیره ارزش لبنیات	مسائل و تنگناها
تامین نهاده‌ها	<ul style="list-style-type: none"> • کمبودهای مقطعی در تامین نهاده‌های وارداتی • افزایش قیمت نهاده‌های وارداتی • تغییر جیره غذایی دام به واسطه گران شدن علوفه و تاثیر آن بر کمیت و کیفیت شیر • عدم ثبات سیاست‌های تامین پایدار نهاده‌ها
تولید شیر خام	<ul style="list-style-type: none"> • تولید در مقیاس‌های محدود • بهره‌وری پایین در تولید شیر خام • تامین نشدن حاشیه سود کافی برای دامداران
فرآوری و بسته‌بندی	<ul style="list-style-type: none"> • وابستگی صنایع فرآوری به واردات • وابستگی ماشین‌آلات بسته‌بندی با ظرفیت بالا و استریل به واردات • هزینه بالای بسته‌بندی • عدم تطابق ظرفیت تولید با نیاز بازار و در نتیجه کاهش بهره‌وری عملکرد • کمبود واحدهای سورتینگ و بسته‌بندی • کمبود صنایع تبدیلی و فرآوری در نزدیکی قطب‌های تولید
بازاریابی و توزیع	<ul style="list-style-type: none"> • سهم بالای هزینه حمل‌ونقل در قیمت تمام‌شده • سنتی بودن ساختار نظام توزیع • صادرات محدود و کمتر از پتانسیل‌های صادراتی • قیمت‌گذاری دستوری • تنوع پایین مقاصد صادراتی (۸۶.۴ درصد صادرات محصولات لبنی در سال ۱۴۰۲ فقط به سه کشور عراق، پاکستان، افغانستان)، ضعف در قدرت بازی و توان موقعیت‌یابی صنعت لبنیات در بازارهای جهانی • پایین بودن نرخ ماندگاری در بازارهای صادراتی • ممنوعیت صادرات برای برخی از محصولات لبنی و قوانین متغیر در این حوزه • نوسان در میزان تقاضای بازار داخلی به دلیل مشکلات مالی
خرده فروشی	<ul style="list-style-type: none"> • تعداد زیاد خرده فروشی‌ها • پایین بودن قدرت چانه‌زنی خرده فروشی‌ها
مصرف کننده نهایی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم توزیع عادلانه ثروت، عدم قدرت خرید خانوارها • فرهنگ‌سازی ضعیف برای افزایش سرانه مصرف لبنیات در کشور (سرانه مصرف لبنیات در ایران حدود ۳۰ درصد کمتر از میانگین جهانی است و این فاصله با مصرف جهانی در حال افزایش است) • تنوع پایین محصولات لبنی در ایران نسبت به کشورهای توسعه‌یافته

نواقص و تنگناهای بسیاری وجود دارد که شاید نتوان در جدول فوق گنجانند. به‌عنوان مثال در حوزه خلاهای قانونی می‌توان به نبود قانون جامع و یکپارچه‌ای به‌منظور مدیریت زنجیره اشاره نمود؛ در حال حاضر سازمان‌های بسیاری به سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف این صنعت می‌پردازند و در این بین تضاد منافع بسیاری بین بازیگران زنجیره وجود دارد. یکی از مصادیق این موضوع حمایت‌های بخشی و مقطعی از بازیگران زنجیره ارزش صنایع لبنی است. به‌طور مثال در سالهای اخیر، ارز ترجیحی در اختیار واردکنندگان نهاده‌های دامی قرار گرفته است اما این حمایت‌ها باعث کاهش هزینه تمام شده شیر برای واحدهای تولیدی به همان نسبت نشده است.

۵. جایگاه زنجیره ارزش کشاورزی و غذا در برنامه هفتم توسعه

در ادامه به بررسی برخی هدف‌گذاری‌های شده مرتبط با بخش کشاورزی در برنامه هفتم توسعه خواهیم پرداخت تا با شناخت درست آن‌ها ضمن در نظر گرفتن چالش‌های موجود در این مسیر گامی موثر در مدیریت و کاهش ریسک این بخش و زنجیره‌های مربوطه برداشته شود.

در قانون برنامه هفتم، فصول ۳ (اصلاح ساختار بودجه)، ۷ (امنیت غذایی و ارتقای تولید محصولات کشاورزی)، ۸ (نظام مدیریت یکپارچه منابع آب) و ۱۲ (ترانزیت و اقتصاد دریامحور) به‌طور مستقیم به موضوعات مرتبط با بخش کشاورزی و منابع طبیعی پرداخته شده است. یکی از موضوعات بسیار مهم در بخش کشاورزی و زنجیره غذایی، تحقق امنیت غذایی است. امنیت غذایی یک سیاست ملی است که کم و کیف آن مقدار عرضه و کیفیت کالای عمومی را در هر کشوری تعیین می‌کند. در حال حاضر امنیت غذایی کشور با چالش‌ها و مسائل ریشه‌ای متعددی روبه‌رو است که بعضاً با سیاست‌گذاری‌های نامناسب و آسیب‌زا در طول زمان، شدت این چالش‌ها بیشتر شده و سطح آسیب‌پذیری کشور را در زمینه دسترسی پایدار به غذای ایمن، کافی و سالم را بالا برده است.

توجه به امنیت غذایی در ایران همواره به‌عنوان یکی از اهداف مهم برنامه‌های توسعه بوده و در برنامه‌های توسعه جایگاه ویژه‌ای داشته است. اما شواهد مبتنی بر آن است که هدف‌گذاری‌های انجام شده در بخش کشاورزی در مواردی به دور از واقعیت موجود و بلندپروازانه بوده است. بدین منظور در ادامه به بررسی و تحلیل احکام هدف‌گذاری شده در قانون برنامه هفتم توسعه پرداخته و به این سوال پاسخ خواهیم داد که آیا سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه مرتبط با بخش کشاورزی در راستای توسعه زنجیره ارزش کشاورزی و غذایی است یا خیر؟ در ادامه برخی از مهم‌ترین بندهای قانون هفتم توسعه مرتبط با بخش کشاورزی و ایرادات یا نواقص آن‌ها ذکر شده است. لازم به ذکر است، تلاش شده است برخی از بندهای مهم و که اثرات عمیقی بر زنجیره غذایی و کشاورزی دارد مورد بررسی

قرار گیرد و به‌طور تفصیلی به بررسی هر یک از بندهایی که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم بر بخش کشاورزی اثر دارد پرداخته شود، روشن است کاستی‌ها و نواقص زیادی نمایان خواهد شد.

۱. پایین بودن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی

یکی از موضوعات و چالش‌های کلیدی بخش کشاورزی که در قانون هفتم توسعه و در ارتباط با بخش کشاورزی مغفول مانده است، موضوع سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی است که باعث عدم توسعه متناسب زیرساخت‌ها در این بخش شده و بر بسیاری از فعالیت‌های اساسی حوزه امنیت غذایی کشور، از جمله یکپارچه‌سازی اراضی، پایش خاک‌های کشاورزی و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی اثرگذار است. با توجه به نقش کلیدی تامین سرمایه و تاثیر کارکردهای بازاری مالی کشاورزی بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، اصلاح و توسعه نهادها و بازارهای مالی و ایجاد ابزارهای مالی مناسب جهت تامین مالی طرح‌های کشاورزی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. همچنین دخالت دولت در این بخش باعث تشدید بسیاری از مشکلات در بازار مالی این حوزه شده است. به‌عنوان مثال نرخ‌های بهره پایین و اعطای اعتبارات یارانه‌ای و محدود در بخش کشاورزی موجب افزایش تقاضای دریافت تسهیلات توسط گروه خاصی شده و بسیاری از کشاورزان واقعی از این چرخه حذف شده‌اند.

فقدان بازار مالی کارآمد از موانع اصلی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بوده و ناتوانی در تامین منابع مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری، روند توسعه این بخش را کند نموده است. در کنار برخورداری بسیار پایین بخش کشاورزی از موجودی سرمایه، نحوه توزیع این اعتبارات به‌طوری‌که منجر به تقویت تولید شود نیز موضوع مهمی است که شواهد حاکی از آن است که سازوکار تخصیص اعتبار در این بخش از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. بر اساس آمار سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، سهم بخش کشاورزی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده به نسبت سهم آن از تولید ناخالص ملی همواره کمتر بوده است. به‌طور متوسط در ۱۵ سال اخیر سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی برابر با ۸.۴ درصد بوده اما سهم آن از سرمایه‌گذاری ناخالص فقط به میزان ۴.۹ درصد بوده است. از طرفی به دلیل مشکلات کلان اقتصادی کشور، ریسک سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی همچنان بالا است.

۲. کوتاه کردن کانال عرضه محصولات

اختلاف بسیار زیاد قیمت محصولات کشاورزی از مرحله تولید تا مصرف‌کننده نهایی از معضلاتی است که در بخش بازرگانی کشاورزی وجود دارد. در حال حاضر حاشیه سود کشاورزان با هزینه تولید و سختی کار تناسب ندارد. از طرف دیگر در مواردی مصرف‌کننده نهایی برای خرید محصولات کشاورزی مبالغی بیش از هزینه واقعی آن پرداخت می‌کند. یکی از راهکارهای ابتدایی برای رفع این معضل، کوتاه کردن کلنال عرضه محصولات کشاورزی است. چراکه طولانی بودن زنجیره عرضه محصولات و تعدد واسطه‌های غیرضروری منتج به ناکارآمدی

بازار و نهایتاً افزایش شکاف قیمتی می‌شود این موضوع از جمله مواردی است که در قانون برنامه هفتم مورد غفلت قرار گرفته است.

۳. نفوذ پایین دانش در بخش کشاورزی

یکی از مهم‌ترین عوامل پایین بودن بهره‌وری تولید در بخش کشاورزی نفوذ پایین دانش در این بخش است. اشتغال پائین دانش‌آموختگان کشاورزی در این بخش و همچنین نبود برنامه مشخص برای جوان‌سازی بخش کشاورزی منجر به این شده است که فرآیند تولید اغلب محصولات راهبردی با عملکردی بسیار پایین‌تر از متوسط جهانی صورت گیرد.

۴. تغییرات اقلیمی، بحران آب و خشکسالی

رسیدن به خودکفایی در تولید محصولات اساسی از مؤلفه‌های بسیار مهم برای کشور است که با توجه به تنش‌های جهانی و به خطر افتادن ضریب امنیت غذایی کشورها از جایگاه و اهمیت بیشتری برخوردار شده است. یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد کشور طی سال‌های اخیر، وابستگی شدید به محصولات راهبردی کشاورزی است در حالی که تغییر جهت از وابستگی به واردات و حمایت از تقویت تولید داخل برای دستیابی به خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی در قانون برنامه توسعه هفتم در نظر گرفته شده است. به موجب ماده ۳۲ قانون برنامه هفتم توسعه، ضریب خودکفایی محصولات اساسی کشاورزی (گندم، جو، برنج، حبوبات، گوشت قرمز و سفید و شکر) ۹۰ درصد هدف‌گذاری شده است. بر اساس عقیده برخی کارشناسان، به نظر می‌رسد با توجه به اقلیم ایران و بحران شدید آب طی سال‌های اخیر و همچنین با وجود تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی و خشکسالی، کشور از رسیدن به جایگاه خودکفایی ۹۰ درصدی در محصولات اساسی کشاورزی عقب بماند.

در مجموع به نظر می‌رسد قانون برنامه هفتم توسعه در بخش کشاورزی با نواقصی روبروست که ممکن است عملکرد اجرای آن را با مشکل مواجه سازد؛ در نتیجه ضرورت دارد سیاست‌گذاران ضمن در نظر گرفتن کاستی‌های موجود، موضوعاتی مانند کاهش تصدی‌گری حاکمیت در امور اجرایی، شفاف‌سازی آمار و اطلاعات با گسترش فناوری و اطلاعات، ارتقای نظام نوآوری، تمرکز جدی بر تولید محصولات راهبردی در مناطق ویژه، اصلاح ساختار حکمرانی منابع و مصارف آب، کاهش تضاد منافع و اصلاح ساختارهای کسب‌وکار و بازار بخش کشاورزی را مد نظر قرار دهند.

۶. جمع‌بندی

تکمیل زنجیره‌های ارزش کشاورزی که بیش از دو دهه در دنیا شکل گرفته است می‌تواند راهکار نهایی بهبود فرآیند بازار محصولات کشاورزی در کشور باشد. همچنین اگر رویکرد زنجیره ارزش به شکل مناسبی در نظام تولیدات کشاورزی شکل گیرد، توسعه بخش کشاورزی به فقرزدایی خواهد انجامید. موضوعی که در نظام سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری مورد توجه بوده است، اما وضعیت فعلی زنجیره ارزش در محصولات کشاورزی و غذایی با آنچه در اسناد بالادستی به آن اشاره شده است فاصله زیادی دارد. بررسی‌ها در نظام بازار و توزیع محصولات کشاورزی ایران حکایت از وضعیت بغرنج و ناکارآمدی دارد که نقش دلالت‌دهنده در این بازار نه به‌منظور ارائه خدمات بلکه با اهداف سوداگری و احتکار، بسیار پررنگ است.

به‌منظور ارتقای بهره‌وری و تولید پایدار محصولات غذایی و کشاورزی، صادرات پایدار و دستیابی به جهش صادراتی در این محصولات و بهبود نظام بازاریابی و تجارت کشاورزی، پیشنهاد می‌شود در سراسر کشور با همکاری بخش خصوصی گفتمان و سیاست توسعه «زنجیره‌های ارزش محصولات کشاورزی» در ابعاد گسترده ایجاد شود تا با بررسی دقیق مکانیزم اجرایی زنجیره ارزش محصولات هدف و رتبه‌بندی چالش‌های مربوط به هر مرحله از زنجیره، با اهتمام بخش دولتی و خصوصی بسیاری از مشکلات ساختاری بر حسب اولویت مرتفع گردد. پرواضح است توسعه زنجیره کشاورزی و غذای در هر کشوری همانند سایر بخش‌ها برای موفقیت در برنامه‌ریزی بلندمدت در وهله نخست نیازمند ثبات در سیاست‌ها است.

منابع

۱. گمرک جمهوری اسلامی ایران
۲. وزارت جهاد کشاورزی
۳. سازمان بهره‌وری ایران
۴. بانک مرکزی
6. FAO. (2010). Agricultural Value Chain Development: Threat or Opportunity for Women's Employment? Gender and Rural Employment Policy Brief, Rom.
7. Mohan, S. (2016). "Institutional Change in Value Chains: Evidence from Tea in Nepal", World Development, 78(1), pp. 52–65.
8. Hassanpour B. Explanation, Importance and Executive Model of Forming Value Chains in the Field of Horticultural Products, Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO). Agricultural Info. Tech. and Information Center, 2020; Report No. 58209, 22 p. (In Farsi).
9. Srinivas K, Dubey U, Lalitha N. Analyzing the Value Chain of Quinoa: A Case Study of Quinoa - The Queen to be, FIIB, Business Review. 2015; Volume 4, Issue 4, October-December.
10. Aji, J. M. M. (2020). Linking Supply Chain Management and Food Security: A Concept of Building Sustainable Competitive Advantage of Agribusiness in Developing Economies. E3S Web of Conferences, EDP Sciences. 142(2020).<https://doi.org/10.1051/e3sconf/202014206005>
11. Fao. (2014). Developing sustainable food value chains – Guiding principles
12. Moradi, M. (2023). Export Competitiveness of Iran Food Value Chain: A Comparison with BRIC.
13. ChamCham, J., Mirakzade, A., & Rostami Ghobadi, F. (2021). Explaining the Effective Factors and Challenges in the Development of the Value Chain of Sheep Meat in Lorestan Province. Journal of Rural Research, 12(2), 404-417.
14. FAO